

Tota Bano,

Department of Persian

university of Kashmir Srinagar

انسان دوستی و ہم آہنگی بہ حوالہ

کلام کلیم عینی

میرزا ابوطالب کلیم کاشانی و ملا محمد طاہر عینی کشمیری شاعرانِ برگزیدہ و لایق ترین کہ دل پاکیزہ و روح بلند پرواز دارند۔ ایشان بہ ظاہر پرستی و ریاکاری و نمولیش برون را خلاف بودند۔ موضوع اشعار ایشان رجوع بہ باطن در غرق وحدت و مشغول بہ تزکیہ نفس بودند در قلب ایشان در مردمان از حد بود و مردم آزاری را گناہِ عظیم ترین می شمارند و بہ خلاف مردمان بہ خلاف اخلاق می پندارند۔ در ضمیر ایشان این سخنها بودند کہ ای خداوند بزرگ ہمہ کائنات از تو واسط است معنی دارد کہ ہر ذرہ کائنات از تو واسطہ و پیوستہ است از آغاز تا انجام جلوہ افروزی نور ایشان را دیدہ می شود، ایشان جہاد بہ خلاف خود فریبی و ظاہر پرستی بسیار کردند۔ در نگاہ ایشان ہمہ کائنات جلوہ گاہ و مظاہر یک حقیقت اند مانند این اشعار از غزلہای ایشان بہ طور نمونہ پیش می کنیم شعر اول از غزل کلیم و شعر دوم از غزل عینی بردہ شدہ اند مانند ۔

بدل کرم بمستی عاقبت زهد ریائی را
رسانیدم بآب از یمن می بنیاد تقوی را
میتوان دید زهر ذره فروغ خورشید
دل اگر صاف شود روی زمین آئینه است

این شاعران عظیم و عالم و عامل و یکتای روزگار بودند از کلام ایشان معلوم می شود که ایشان
مرد پُر خلوص و پُر عقیدت بودند۔ در نظر ایشان صفای قلب، نعمت عظیم است زیرا که
انسان می تواند بوسیله این نعمت از اسرار و حقایق حیات آشکاری گردد پس برای رسیدن
به این مقصود اول باید معرفت نفس حاصل شود مانند این دو بیت از غزلهای کلیم و عنی۔
گردد آئینه روشن از نفست
گرنی دم ز خاکسار یها

صوفیان از سینه روشن بچجب افتاده اند
آری آری مرد را آئینه خود بین میکند

این شاعرانِ اعلیٰ درجه بودند و پایه سخنوری را به درجه کمال رساندند از صلاحیت فکری و
معنوی که خداوند ایشان را داده بودند، مزین بودند۔ ازین اشعار بالا شده معلوم می شود که
ایشان ادراک بلند درجه یافته بودند و به وسیله همین ادراک اعلیٰ درجه توان درس هم آهنگی
بیابد مانند این کلام این دو شاعران که معنی وسیع و دقیق دارند شعر اول از کلیم و شعر دوم از
عنی

بعالم از سر کلک وزارت درفشانی کن
بر اوج قدر دائم کار فیض آسمانی کن

معنی صاف که در قالب الفاظ بد است
هست آئینه صافی که نهان دند است

ازین اشعار مهارت تخیل بلند پرواز و قوت ادراک ایشان ظاهری شود و معلوم می شود که ایشان درین صنف اصلاح یافته بودند. ایشان به وسیله کلام خویش برای همه مردمان درس خوب می دهند و حصه ای بزرگ. اشعارشان در بیان موضوع های اخلاق اند و این درس می دهند که خالق کائنات و هر ذره کائنات زیر فرمان اوست بس اطاعت و فرمانبرداری انسان مفقود است از کلام ایشان هر کس توان فیضیاب شود. اینجا اول شعر غزل کلیم و پس شعر غزل عننی بیان نموده شود.

چشم کرم مدار ز شاهاں که جز نمند
آئینه خلعتی ز سکندر نیافته است

از نیک و بد جهان خرم و غمگین نشوم
خار تا زانو و گل تا بگریباں آید

از کلام ایشان معلوم می شود که ایشان خیالهای بلند و وسیع، پر معنی و اثر انگیز نامیده می شود. در شعر اول سوی قلب صاف اشاره شد و در شعر دوم سوی بدی و نیکی اشاره داده شد و به وسیله همین ادراک صاف انسان توان به بام اوج برسد زیرا که در فنکاری شاعری نه

صرف مواد ارزش خوب دارد بلکه القاء، فکر و تجربه شاعر هم ارزش خوب دارد، مانند این رباعی کلیم اینجا به طور نمونه بیان نموده شود

ابر آب دگر بروی دنیا آورد
باید به میان سبزه مینا آورد

این حرف نه من ز پیش خود میگویم
باران خبر از عالم بالا آورد

این رباعی معنی بلند و وسیع دارد و درین کلام سوی این عالم و آن عالم اشاره داده شد که به خدا واسطه است یعنی همه دو عالم صرف از خدا واسطه اند میزان اشعار بسیار خوب است مانند رباعی کلیم، رباعی عننی اینجا هم بیان نموده به شود

در عهد تو بسکه بخت شد یار بخلق
هرگز ندهد سپهر آزار بخلق

در باغ جهان نهال جودے که ز فیض
هر روز دوبار میدهی بار بخلق

این رباعی سوی عدل و انصاف، انسان دوستی و هم آهنگی اشاره می دهد و از حیث سبک، صنایع و بدیع هم هویت خاصی دارد و لایق خواندن است - رباعی دیگر اینجا بیان نموده

شود تا معلوم به شود که عینی به وسیله کلام خویش درس انسان را می دهد تا فهم و ادراکِ او صحیح

به شود

ای شیفته زینت و پیرایه خویش

تا چند بلند میکنی پایه خویش

نفع نتوان برد ز سرمایه خویش

آسوده کسی نبوده در سایه خویش

این رباعی واقعی قابل دیدن است و ازین رباعی معلوم می شود که در قلب این شاعر درد و کرب مردمان از حد بود که به این طریقه کلام می سراید. کلیم و عینی سرمایه شعر و سخن قدما را برای خود مشعل راه قرار دادند و پس بر این جدت ها نمودند هر شاعر و فنکار در باره ارباب هنر خود چیزی به تحریر می آورد. این شاعران واقعه های سماج خویش را به اندازه خوب نظم و نسق کردند. ایشان تاکید می کنند که انسان از کینه و عداوت پرهیز و علاوه از خدا شناسی با هیچ چیز دل نه بندند. در بیان سخنها حکمت آمیز و اخلاق بسیار سعی نموده اند و اشعار پند آموز را در طرز لطیف و موثر بیان نمودند مضامین و موضوع غزلها از اصناف دیگر شعرها مثل مثنوی، رباعی، قصیده و جز آن زیاد وسیع بلکه بسیار همه گیر است مانند این غزلهای کلیم و عینی اینجا برای نمونه پیش کرده شود

دنیا خیال و خوابست، این خواب نزدانا

آسایشی ندارد بهتر ز چشم بستن

گفتگو یکرنگ نبود عاقل و هوشیار را
در نفس باشد تفاوت خفته و بیدار را

در شعر کلیم سوی بی ثباتی این عالم و در شعر عینی سوی عاقل و هوشیار، خفته و بیدار، هم آهنگی
و انسان دوستی ذکر کرده شد. این شاعران معنی کثیر را در کلام قلیل بیان نمودند و درین
اشعار ارسال المثل و ایهام به کار برده شده اند و می توان گفت که ایشان تخیل و ادراک
بلند دارند و قادر الکلام شاعران بودند. ازین اشعار عقیدت و ارادت آنها نیز معلوم می
شود. ایراد مضامین در قالب شعر و وزن و قافیه شاعر را و امیدارد این شاعران عالم و
دقیق النظر بودند مانند این اشعار کلیم و عینی اینجا بیان نموده شوند.

نیک و بد کس گوش نکردن همه هوش است
مغزے که بود در سر کس پنبه بگوش است

بزرگان را بقدر کاردانی کار میافتند
دل بیدار داری مملکت را پاسبانی کن

این اشعار در سهای اخلاق و پند و خیالهای بلند درجه دارند شاعران را رهبران و پدران
سماج می نامیدند که به وسیله شعر و شاعری ادراک هر کس محکم، بلند و اعلی می سازند تجربه
های دنیاوی و مسائل اخلاق را موضوع کلام خویش بیان نمودند و گاهی گاهی علم و فضل
و زهد و تقوی را معیار یا بزرگی انسان می پندارند و ایشان درس ابرو نفس، همت اعلی
و کردار بلندی دهند و باید که به نویسد که کلام شاعر را سنگ میل راه ارتقاء و ثمر تجرید و اجتهاد

به پندارد۔ وقتی شاعر شعری سرودہمہ چیزهای این عالم را در تخیل می دارد و پس در کلام
این را بیان می کند تا ادراک و فهم هر انسان صحیح شود
وضع زمانه قابل دیدن دوبار نیست
روپس نکرد هر که ازین خاکدان گذشت

عزت شاه و گدازیر زمین یکسان است
میکند خاک برای همه کس جا خالی

کلام ایشان دون کلام خالق و فوق کلام مخلوق است۔ معارف حقیقی را در قالب شعر بیان
نمودند۔ در مضامین و موضوع های این دو شاعران مطابقت موجود اند۔ و درین
مضامین بلند پردازی دیده می شود۔ علم آنست که هر کس از آن پروردگار را بشناسد و برای
این بسیار لازم است که قلب راه سلوک را به حقیقت از خود آشنائی شود۔ علاوه ازین
پاکیزگی قلب را بر پاکیزگی ظاهری ترجیح می دهد و خدای متعال را قادر مطلق گردانیده
و ثبات این کائنات را از حد قرار داده اند و بر بی ثباتی جهان نیز تکرار کرده اند مانند این
غزلهای کلیم و عنی ۷

حرف دنیا گوش کردن کار اهل هوش نیست
مغز سرفرازانه را چون پنبه های گوش نیست

کی صاحب همت ز جهان کام گرفته
عار آیدش، از عبرت ایام گرفته

درین اشعار سوی عبادت الهی اشاره شد و برای هر کس فرمان تربیت دادند و پیام معرفت الهی می دهند از اسرار و رموز معرفت، روحانیت و سلوکیت واقف گردانند درین اشعار عقاید صوفیانه موجود اند و مسائل اخلاق را به بام اوج رسانیدند. از کلام ایشان معلوم می شود که در قلب ایشان درد و کرب مردمان از حد بود. درباره همه چیزها و ذات های این ذکر نمودند لفظ را به هدایت معنی محرم گردانیده و معنی را روشناس قلمرو آواز، مبانی را به هدایت آئینه جمال معنی گردانیده و معنی را مایه کمال مبانی، این معنی را جبر و تعرف خود و آن لفظ را مایه تعرف خویش می سازد. معنی را بقلب لفظ می اندازند هر شعر ایشان به زبان حال بکمال سخن فنی ایشان قایل اند. کلام سحر آیشان ملهم غیبی است. کمالهای شاعری ایشان نمونه از کمالهای دیگر و سخنان رنگین شان از جمال معنی ایشان نیکو سیر دارند و همه سخنها پند آموز و اخلاق آموز اند. سخنان باریکشان افکارهای بلند درجه ایشان و آئینه کمالهای آنها می نامیدند

از فکر گریز نده بود طبع روانم
 روسا زد از آئینه زانو سخن من
 چشم سخنور ترا تا بنظر نیاورد
 طبع کلیم هیچ گاه فکر سخن نمی کند

در حقیقت شاعر را اساس ادب و اخلاق می نامیدند که به وسیله کلام خویش صحیح می کند یعنی ادراک هر یک انسان را از حد درست و راست می سازد و برای این بسیار سعی می کند در کلام

ایشان از اول تا آخر موضوع های مختلف بیان شدند یعنی مضامین اخلاق، فلسفه، کردار اعلیٰ، پندار نیک و گفتار نیک دارند و علاوه ازین اسرار و رموز این کائنات هم از حد بیان شدند و ناپایداری جهان را هم در کلام بیان نمودند و مقصد همه این سخنها آنها صرف انسان دوستی و هم آهنگی می باشد زیرا که شاعران را راهبران سماج می نامیدند مانند این کلام آنها ۷

سپیل را درس روانی گریه ما میدهد
شور بختی اشک ما تعلیم دریا میدهد

در گفتارِ ناصح را بخوبی تا نگهدارم
بدرج گوش اول پنبه خواهم که بگذارم

این شاعران پرواز تخیل و ادراک اعلیٰ درجه یافته بودند و در کلام ایشان رفعت و ندرت، صنایع و بدلیع موجود اند یعنی ارسال المثل، رمز و کنایه، ردیف و قافیه، ایهام یا ابهام و جز آن موجود اند علاوه ازین ایشان قصیده ها، مثنوی ها، رباعیها و قطعها نیز سرودند. کلیم قصیده های مدحیه و غنی قصیده های پند و نصائح آمیز سرودند. غنی مانند کلیم، مدح شیخ شاه نکرد. در قصاید کلیم مانند قدامت تمهید به اندازه خوب یا بیده می شود و در آنها خوبیهای معنوی بدرجه اتم موجود اند. در قصاید غنی بجائے مدح، سخنها اخلاقی و فکرو اندیشه های صوفیانه موجود اند و به علت آن، عظمت و ارجمند سخن سرائی وی فزونی گرفت. در ضمن توحید و وحدانیت هم از حد اشعار سرودند. جدت آفرینهای ایشان هم

بسیار قابل تعریف و قابل دیدن اند مانند این کلام ایشان

نیک و بد یکسان بود در پیش طبع ما کلیم

هیچ عکس آئینه را از دیگری بهتر نبود

وضع ملائم بود تیغ زبان را سپر

تیره نسازد نفس آئینه آب را

کلام آنها همه خوبیهای فنی دارد هر شاعر به اندازه خویش کلام می سرود و دوران سرودن شعر همه چیزهای این عالم در فکر و مغز او می ماندند و شعر در اصل برای همین واقعه های این عالم سروده می شود تا هر کس از آن بهره برداری توان یابد زیرا که شعر در حقیقت برای راهبری مردمان سروده می شود تا هر چه انسان می اندیشد صحیح به پندارد تا فهم و ادراک مردمان این عالم از حد راست بشود زیرا که مقصد شعر همین درس و تربیت می باشد و شعر از هر لحاظ سروده می شود یعنی همه موضوع ها مانند اخلاق، ادب، فلسفه، تهذیب و تمدن در شعر آورده می شوند. غنی شاعر مثالی بود و مضامین حکیمانه و عارفانه را به اندازه دقیق نظم کرد شاعران ایران هم تعریف کلام شاعر کرده اند غنی و کلیم هم شاعر اعلی درجه بودند در کلامشان در باره هر چیز ذکر شد. در کلام این دو شاعران همین مضامین و خوبیها یا بیده می شود. افکار و خیالهای آنها بلند و وسیع، دقیق، پرمعنی و اثر انگیز اند این دو شاعران کارنامه های گران قدر انجام داده اند که برای ادب فارسی سرمایه بسیار گران است. افکار و عقاید ایشان بسیار قابل دیدن اند مانند سایر صوفیه قدیم همه مذاهب را بیک چشم

میدید زیرا که خالق همه کائنات یکی است و همه این عالم از او واسطه است - کلیم
 شاعر عهد شاه جهان و عینی شاعر دور شاه جهان و اورنگ زیب عالمگیر بودند کلیم در دربار شاه
 جهان ملک الشعراء بود تعداد اشعار غنی ۱۶۸ ایافته می شود و تعداد اشعار کلیم ۲۴ هزار بیت
 بیان شده اند - درین غزلها، مثنوی ها، رباعیها، قطعه ها و قصائد هم می آیند - در آخر باید
 به نویسم که شاعران را پدران سماج باید به فهمد که برای درست کردن سماج خویش را سعی
 بسیاری کنند و در کلام زیاد از ظاهر داری، سوی تزکیه نفس و تزکیه قلب ذکر می کنند -
 بهر حال هر چه درین مقاله تحریر شده از حیث معنی قابل خواندن و قابل تعریف است و
 هر کس توان که ازین بسیار فیض و بهره برداری بیابد و مقصد مقاله نویسی هم همین می باشد تا
 دیگران تربیت خوب بیابند و هر چه من درین مقاله بیان کردم دروازه های خویش بیان
 نه نمودم و نه خود این واژه ها را جمع کردم بلکه از کتابهای مختلف بهره برداری یافتم -
 در حقیقت ادب از مجموعه تهذیب و تربیتی که برای هر کس مهم و لازم تحریر کرده می شود و
 امثال آنها نیز از قرآن و حدیث و فرهنگ و انشاء و شعر و ادب بود - دین و فلسفه، زبان و
 فرهنگ، اندیشه ها و فکرها نیز درین می آیند -

حواشی:

۱ - مکمل فارسی گائیڈ - از پروفیسر دکتر شمس الدین احمد

۲ - شعر العجم جلد سوم - از علامه شبلی نعمانی

۳ - نقش پاری - از علی اصغر حکمت

۴ - فارسی ادب کی مختصر ترین تاریخ - از دکتر محمد ریاض و دکتر صدیق شبلی

- ۵۔ مغلوں کے ملک الشعراء۔ از نبی ہادی
- ۶۔ شاہ جہان نامہ۔ از عبدالمجید لاہوری
- ۷۔ سفینہ خوشگو۔ از ابن خوشگو
- ۸۔ ماثر الکرام۔ از میر غلام علی بلگرامی
- ۹۔ مجمع النفائس۔ از سراج الدین علی خان آرزو
- ۱۰۔ عمل صالح۔ از محمد صالح کنبو
- ۱۱۔ فارسی ادب بہ عہد اورنگ زیب۔ از نور الحسن انصاری
- ۱۲۔ پیام مشرق۔ از علامہ سر محمد اقبال
- ۱۳۔ شعر و ادب فارسی۔ از زین العابدین مومن
- ۱۴۔ مختصری در تحول شعر و ادب فارسی۔ از حسین فریور
- ۱۵۔ فارسی ادب۔ از پروفیسر عبدالقادر سروری
- ۱۶۔ حیات اور شاعری۔ از نیلو فرناز نحوی قادری
- ۱۷۔ احوال و آثار۔ از ریاض احمد شیروانی
- ۱۸۔ دیوان عینی۔ از ملا محمد عینی
- ۱۹۔ دیوان کلیم۔ از آقای پرتو بیضای
- ۲۰۔ سبک شناسی۔ از بہار مشہدی
- ۲۱۔ نتائج الافکار۔ از محمد قدرت اللہ گوپاموی
- ۲۲۔ تذکرہ دید بیضا۔ از غلام علی آزاد بلگرامی